

پری خوانی

مجموعه غزل

دکتر بهاءالدین خرمشاهی

پیشگفتار و مقدمه از بهاءالدین خرمشاهی

۶۴۲۱ نسخه: تهران، ایران

نقشه ناشر: تهران، ایران

قیمت: ۰۰۵ تومان

۷ پیشگفتار

۱۵ سیاست نامه

۱۷ غزل

۲۸۱ قصیده

۲۸۹ مشهورترین اشعار

۸۸ ۷۶ ۷۲ ۶۶ ۶۲ ۵۸ ۵۴ ۵۰ ۴۶ ۴۲ ۳۸ ۳۴ ۳۰ ۲۶ ۲۲ ۱۸ ۱۴ ۱۰ ۶ ۲

۸۸ ۷۶ ۷۲ ۶۶ ۶۲ ۵۸ ۵۴ ۵۰ ۴۶ ۴۲ ۳۸ ۳۴ ۳۰ ۲۶ ۲۲ ۱۸ ۱۴ ۱۰ ۶ ۲

۵۶۱۵-۵۵۱۶۱

www.nashrghazal.com

info@nashrghazal.com

nashrghazal@yahoo.com

امیر حسین الهیاری

به نام خداوند نون والقلم

پیشگفتار

از بخت شکر دارم و از «کردگار» هم، که دوباره در غزل فارسی بهار شده است، و جنگ و جدل شعر نو و کهنه واقعاً به پایان رسیده است. امروزه دیگر غزلسرایان نشانه‌ی کهنه‌گرایی نیست. اگر چند هزار قطعه شعر نوی خوب داشته باشیم در این سی - چهل سال اخیر دو چندان آن غزل و رباعی نو داریم. قرار نیست که آینده به گذشته بیازد. اگر شاگردان هیچ‌گاه از استادان فراتر نمی‌رفتند و خود در حیطه‌ی پژوهش یا آفرینش هنر خویش همواره کهنتر می‌ماندند، خلاف قاموس طبیعت و تجربه و واقعیت بود.

اغلب شاعران مکتب نیما در دهه‌ی چهل و دهه‌های بعد، از خود او بهتر شعر نیمایی گفته‌اند.

غزل، یک دو دهه بعد از نیما درجا زد و دچار کلیشه‌سرایان انجمن‌های ادبی شد، تا نسل دوم و به‌ویژه سوم پس از نیما پا به عرصه‌ی وجود نهاد.

سایه که از نسل و هم‌نسل نیما بود، حقی در ارتقای غزل دارد. و البته بیش از او بزرگ‌بانوی غزل دیروز و امروز استاد سیمین بهبهانی. از جوان‌ترها به‌عمد نام نمی‌برم که به یاد نیاوردن، یا از قلم انداختن چند و حتی یک نام بلند در حق آنان جفا خواهد بود و کسی آن را به حساب حافظه‌ی بی‌حفاظ و نخ‌نمای من نخواهد گذاشت.

از سوی دیگر، رشد و رونق غزل نو، اعم از اجتماعی یا عاشقانه، پدیده‌ی فرهنگی عظیمی است و شایسته‌ی آن است که نقادان و شعرپژوهان متخصص، درباره‌ی آن کتاب یا حتی کتاب‌هایی تألیف و طبع کنند و حق هیچ صاحب حقی را فرونگذارند. در چنین کتابی احتمالاً از هنرمندی‌های دویست تن نام برده می‌شود.

ولی سران غزل‌سرایان امروز که در طرز و طراز نو صاحب اسم و عنوانند در حدود بیست نفرند که آقای دکتر امیرحسین الهیاری یکی از برترین آنان است و به مدلول، گواه عاشق صادق در آستین باشد. این دیوان (مشمول بر ۳۵۰ غزل، دو قصیده - که یکی از آن‌ها هم وزن خوشی دارد و هم ملمع / دو زبانی فارسی - عربی است و تحسین ادونیس بزرگترین شاعر امروز جهان عرب را برانگیخته و سه مثنوی) شاهد این معنا باشد که امیرحسین الهیاری از معدود غزل‌سرایان برجسته‌ی امروز ایران است.

در بیست - سی نقدالشعری که بنده نوشته‌ام، شاهد از شعر شاعر فراوان آورده‌ام. و شنیده‌ام که شعرپژوهان متخصص، به این شیوه ایراد گرفته‌اند، اما بنده هنوز نمی‌دانم که کجای این کار ایراد دارد؟ با وجود این چون قصدم در این گفتار کوتاه، معرفی و نه تحلیل

اشعار این دیوان است، شاهد و مثال کم‌تر می‌آورم. تردیدی ندارم که این اثر با استقبال وسیع اهل شعر و نقد مواجه خواهد شد و به تحقیق حق آن را ادا خواهند کرد.

در مطالعه‌ی این اثر وجوه تمایز سبزه - چهارده‌گانه‌ای به نظرم رسید که به نحوی موجز آن‌ها را در ذیل پنج عنوان، برای خوانندگان صاحب‌نظر عرضه می‌دارم. و برای هر وجه امتیاز یا تمایز که نقل می‌کنم شواهد از شعر استاد فرزانه بسیار هست. ضمناً باید بگویم که این وجوه فقط وجه امتیاز شعر ایشان نیست فی‌المثل طنز یا پرداختن به اوزان غریب و در عین حال خوش یا دستورمندی را دیگران هم دارند ولی البته مجموع آن‌ها فقط در شعر شاعران برجسته - قدیم یا جدید - پیدا می‌شود:

که نه هر کو ورقی خواند معانی دانست

۱- اسطوره‌گردانی: مرادم این است که ایشان اشارات فراوان و زیبایی به افسانه‌ها و رویدادهای تاریخی - ادبی دارند ولی این تلمیحات، تکرار و بازگویی محض آن‌ها نیست بلکه با تصرف شاعرانه و ماهرانه است:

قمار عشق عزیزان همیشه باختنی است
چه ناشیانه زلیخا هوای بردن داشت (غزل چهل)

عشق آمد و طرحی نو در پرده زد و این بار
پیراهن سودابه در چنگ سیاوش بود

تنها نه فقط حافظ ای شاخه نبات آن شب